

ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان

حسین شاره*، علی اصغر اصغر نژاد فرید**، رخساره یکه یزدان دوست***، سید محمود طباطبایی****

طرح مسئله: پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان اجرا شد.

روش: این پژوهش همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون چندگانه بود. ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی مناطق ۲، ۵ و ۷ آموزش و پرورش شهر مشهد که به شیوه تصادفی طبقه‌ای خوشه‌ای انتخاب شده بودند با استفاده از پرسشنامه‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، ریسک فرار از منزل و هوش هیجانی بار-اون مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی کلی و برخی از مؤلفه‌های آن شامل احترام به خود، شادکامی، واقعیت‌سنجی، خودآگاهی هیجانی، تحمل استرس، انعطاف‌پذیری، مهارت تکانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حل مسئله با ریسک فرار دختران از منزل همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون به ترتیب حاکی از نقش برجسته‌تر واقعیت‌سنجی، مهارت تکانه و شادکامی بر ریسک فرار دختران از منزل بود.

نتایج: نتایج از تأثیر احتمالی مؤلفه‌های هوش هیجانی بر ریسک فرار دختران از منزل حمایت می‌کند. مؤلفه واقعیت‌سنجی برجسته‌ترین متغیر در پیش‌بینی ریسک فرار دختران از منزل بود.

کلیدواژه‌ها: دختران نوجوان، فرار از منزل، هوش هیجانی

* دانشجوی دکتری روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران <hsharreh@yahoo.com.au>

** دکتر روان‌شناس عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

*** دکتر روان‌شناس بالینی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

**** روانپزشک، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

فرار از منزل از عمده‌ترین معضلاتی است که روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، درمانگران، روانپزشکان و مربیان تربیتی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. فرار از منزل عبارت است از غیبت از خانه حداقل به مدت یک شب و بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی او (De Man, 2000: 261). شارلین و مور - باراک (Sharlin, Mor-Barak, 1992: 387) نیز فرار را به معنی دور شدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر می‌دانند که بدون اطلاع والدین یا برخلاف میل آنها صورت گیرد.

در سالهای اخیر فرار از منزل به ویژه در دختران نوجوان رو به افزایش است. تخمینهای محافظه‌کارانه حاکی از آن است که سالانه ۲ درصد کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله از منزل فرار می‌کنند (Edelbrock, 1980; Bernnan, Huizinga, Elliott, 1978) به نقل از: (De Man, 2000: 261). روزانه ۱ تا ۷ نوجوان ۱۰ تا ۱۸ ساله از خانه فرار می‌کنند؛ برخی بعد از چند روز به خانه برمی‌گردند و سایرین هرگز به محیط خانواده باز نمی‌گردند (مؤسسه ملی فرار^۱). تصور می‌شود ۱ تا ۱/۳ میلیون نوجوان و جوان در ایالات متحده در خیابانها یا پناهگاههای موقتی اضطراری زندگی می‌کنند (Crespi, Sabatelli, 1993; Feitel, Margeston, Chamas, Lipman, 1992). براساس مطالعات شبکه ملی فرار و خدمات جوانان^۲ در ۳ درصد از خانواده‌های آمریکایی سالانه یک نوجوان از خانه فرار می‌کند (Garbarino, Shellenback, Sebes, 1986). همچنین از هر ۹ دانش‌آموز یک نفر سابقه فرار از منزل دارد (Rohr, James, 1986) به نقل از: (Rohr, 1996).

تحقیقات نشان می‌دهد که این معضل در دختران نوجوان شیوع بالاتری دارد

1. National Ranaway Switchboard
2. National Network of Runaway and Youth Services

(Sharlin, Mor-؛ Kurtz, Jarvis, Kurtz, 1991; Cohen, Mackenzie, Yates, 1991)
Barak, 1992; 1985) به طوری که ۷۵٪ افرادی که از خانه فرار می‌کنند دختر هستند
(National Runaway switchboard).

در ایران نیز تعداد نوجوانان فراری به گونه نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است به طوری که تعداد دختران فراری در سال ۱۳۷۸، ۲۰ برابر بیشتر از سال ۱۳۶۵ بوده است و در چهارماهه آخر سال ۱۳۸۰، ۶۱۵۶ نوجوان فراری دستگیر شده‌اند (صمدی‌راد، ۱۳۸۱). به طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (برزگر، ۱۳۸۲). این در حالی است که تعداد بیشتری از نوجوانان بدون اینکه رسماً از خانه فرار کرده باشند، عملاً روزها و گاه هفته‌ها خارج از منزل بسر می‌برند و گزارش خاصی از جانب خانواده صورت نمی‌گیرد. این افراد در واقع بدون اینکه رسماً گزارشی از فرارشان ارائه شود، زندگی خارج از منزل را تجربه می‌کنند و با مشکلات آن درگیر هستند.

این پدیده گرچه یک اقدام فردی است، پیامدها و عواقب آن گریبانگیر خانواده و اجتماع نیز خواهد شد. بزرگترین نگرانی درباره نوجوانان و جوانان فراری و بی‌خانمان، خطر افزایش عفونت HIV است که دلیل آن شیوع بالای مصرف مواد مخدر تزریقی و رفتارهای جنسی پرخطر در نوجوانان و جوانان فراری و خیابانی می‌باشد (Green et al, 1999). این نوجوانان اغلب فعالیت جنسی را برای کسب غذا، پناهگاه یا امنیت انجام می‌دهند (Farrow, et al, 1992). یتس و همکاران (Yetes et al, 1991) در تحقیقی نشان دادند که بسیاری از نوجوانان فراری و بی‌خانمان به دلیل عدم امکان وجود راه و روش قانونی برای امرار معاش، متمایل به درگیری در رفتارهای انحرافی خواهند شد. به عبارتی این نوجوانان هم استثمار می‌شوند و هم سایرین را استثمار می‌کنند.

با توجه به اینکه فشارهای روانشناختی در دختران فراری بیشتر از دختران عادی

است (بازیاری میمندی، ۱۳۸۱) و با در نظر گرفتن اینکه هوش هیجانی نقش مؤثر در واکنش فرد به رویدادهای تنیدگی‌زا دارد (Ciarrochi, Dean, Anderson, 2002; Austin, 2004)، پژوهش حاضر با هدف «تعیین ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی با ریسک فرار دختران از منزل»، و همچنین به منظور «تعیین نقش احتمالی مؤلفه‌های هوش هیجانی بر ریسک فرار دختران از منزل» بر روی نمونه‌ای از دختران عادی انجام شده است تا راهکارهایی به منظور کاهش این معضل اجتماعی پیشنهاد کند. نتایج تحقیق حاضر می‌تواند متخصصان بهداشت روان را در جهت شناخت، پژوهش و درمان افراد در معرض خطر بالا برای این معضلات یاری دهد تا به این وسیله بتوان به موقع از وقوع چنین آسیب‌هایی جلوگیری و به سلامت جامعه کمک نمود.

فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از: ۱- بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل همبستگی معناداری وجود دارد؛ ۲- مؤلفه‌های هوش هیجانی، ریسک فرار از منزل را پیش‌بینی می‌کنند.

۱) سوابق پژوهش

اگرچه فرار از خانه ممکن است تلاشی برای جستجوی هویت خود باشد، بین فرار و ناپایداری خانوادگی همبستگی قوی وجود دارد (Sharlin, Mor-Barak, 1992: 387). لاپین و کوولمن (Lappin, Covelman, 1985) به نقل از (Coco, 1988) فرار از خانه را نشانه‌ای از مشکلات خانوادگی درباره فرایند تفرد و جدایی نوجوانان می‌دانند. طبق گفته کرسپی و ساباتلی (Crespi, Sabatelli, 1993)، پویایی‌های خانوادگی در تعامل با فرایندهای رشد نوجوانان در کسب تفرد و خودمختاری از طریق فرار از محیط خانواده مؤثر هستند.

در تحقیقات مختلف (به نقل از: Rohr, 1996)، طرد شدن از جانب والدین (Adler, 1980)، جدایی و طلاق والدین (Ackerman, 1980)، موقعیتهای تحمل‌ناپذیر

و تعارضی در خانواده (D'Angelo, Blood, 1974)، رقابت همشیرها (Johnson, Peck, 1978)، مشکل ارتباطی با اعضای خانواده (Gallatta, 1979)، فقدان مهرورزی به یکدیگر در خانواده (D'Angelo, Blood, 1974)، فقدان مراقبت و عشق دوطرفه (Spillane-Grieco, 1984)، استفاده از تنبیه شدید به دست والدین (Brando, 1975)، سابقه سوء مصرف مواد در والدین (Steinbock, 1977) و عدم شایستگی در اداره رفتار کودکان (Wodarski, Ammons, 1981; Bell, 1984) به عنوان عوامل مؤثر در فرار از خانه شناخته شده‌اند.

دی مان (De Man, 2000) در مقاله خود به یک رشته از پژوهشها اشاره کرده است که نشان می‌دهد دختران بیشتر از پسران از خانه فرار می‌کنند (Spillane-Grieco, 1984; Justice, Duncan, 1976; Bernnan et al, 1978; Adams, Munroe, 1979; Beyer, 1974; Bernnan et al, 1978; D'Angelo, 1974; Shaffer, Caton, 1984; Angenent, 1993) دارای منبع کنترل بیرونی هستند (Angenent, De) و به نظر می‌رسد رفتار فرار آنها راهی برای مقابله با استرس باشد (Man, 1989).

همچنین واک و براندون (Wolk, Brandon, 1977) در بررسی خودپنداره نوجوانان فراری به این نتیجه رسیدند که این نوجوانان اضطراب، تردید در مورد خود و خودپنداره پایین و نامطلوبی دارند و در ارتباط بین فردی، ضعیف و دفاعی عمل می‌کنند. پژوهشها حاکی از آن است که دختران فراری به دلیل نابداری به جای رویکرد شناختی مؤثر، در مواجهه با رویدادهای تنیدگی‌زا از راهبردهای هیجانی ناکارآمد استفاده می‌کنند و از هیجان‌خواهی بالایی برخوردارند. آنها با تفکرات غیرمنطقی خود، شرایط نامساعد را تغییرناپذیر تصور کرده به همین دلیل در برابر ناکامیها و سختیها خیلی زود تحمل خود را از دست می‌دهند (استادی، ۱۳۷۵). همچنین احساس مسئولیت، احتیاط و ملاحظه‌کاری در آنها کمتر دیده می‌شود، بیشتر رفتارهای آنی و

تکانشی از خود بروز می‌دهند و در کار و تکلیف مدرسه کمتر پشتکار و تداوم نشان می‌دهند (Farrington, 1982 به نقل از حیدری، ۱۳۸۳). دختران فراری افرادی حساس، زودرنج، تلقین‌پذیر، دارای اراده ضعیف و فاقد انضباط اجتماعی بوده، اغلب برای امور غیردرسی، ارزش بیشتری قائلند (حمیدی، ۱۳۸۲).

لیندسی، کورتز، جارویس، ویلیامز و ناگرود (Lindsey, Kurtz, Jarvis, Williams, Nackerud, 2000) در مطالعه‌ای با استفاده از یک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته به بررسی عواملی پرداختند که باعث می‌شود یک نوجوان بر تنشها غلبه کند و در نتیجه اقدام به فرار نکند. در این تحقیق بازشناسی تواناییهای درونی خود، نگرش و رفتار به منظور مراقبت از خود، عشق ورزیدن و احترام گذاشتن به ماهیت وجودی خود، هدفمندی، عدم تکانش‌گری، مسئولیت‌پذیری در مورد اعمال خود، تشخیص درست از نادرست، همراهی با دیگران و اعتماد به آنها، توانایی درخواست و پذیرش کمک و عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته از مهم‌ترین عوامل موفقیت در غلبه بر تنشهای زندگی و جلوگیری از فرار قلمداد شدند. همچنین ریو، تایلور - سی هافر، توماس و یوکی (Rew, Taylor, Seehafer, Thomas, Yockey, 2001: 33) در بررسی نقش انعطاف‌پذیری^۱ در زندگی نوجوانان بی‌خانمان و فراری نشان دادند افرادی که انعطاف‌پذیری بالاتری دارند، احساس تنهایی و نومییدی کمتری داشته، کمتر گرفتار رفتارهای پرخطر و تهدیدکننده حیات می‌شوند.

همان‌طور که مطرح شد، فرار دختران از منزل یک پدیده چندعاملی است که نظریه‌پردازان از جنبه‌های مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند اما هیچ پژوهشی مستقیماً به نقش هوش هیجانی اشاره نکرده است در حالی که بنابر اظهار بار - اون (Bar-On, 2000)، هوش هیجانی مجموعه‌ای از تواناییها، قابلیت‌ها و مهارتهایی است

1. Resilience

که فرد را برای سازگاری مؤثر با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند. اوستین (Austin, 2004) نیز در پژوهشی نشان داد که هوش هیجانی با میزان استرس افراد رابطه منفی و با رضایت زندگی رابطه مثبت قوی دارد. سازگاری موفق در مواجهه با رویدادهای پرتنش [از جمله تنشهایی که دختران در معرض فرار از منزل ممکن است با آنها مواجه باشند] به انسجام عمل توانشهای هیجانی بستگی دارد. نقص در این توانشها در رشد و تحقق مهارتهای مقابله با فشارهای روانی اختلال ایجاد می‌کند.

۲) روش

این پژوهش همبستگی از نوع تحلیل رگرسیون چندگانه^۱ است که در آن متغیرهای پیش‌بین «مؤلفه‌های هوش هیجانی» و متغیر ملاک «ریسک فرار دختران از منزل» می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای خوشه‌ای بود بدین صورت که ابتدا از بین مناطق آموزش و پرورش شهر مشهد سه منطقه به طور تصادفی انتخاب و سپس از هر منطقه ۲ دبیرستان یا مقطع پیش‌دانشگاهی گزینش شد. با در نظر گرفتن نسبت کل دانش‌آموزان مناطق و همچنین با حفظ نسبت متغیرهای پایه تحصیلی و رشته تحصیلی، نمونه‌ای به حجم ۵۰۰ نفر از بین دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبیرستان و دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی به طور تصادفی انتخاب شد. بر روی این نمونه، علاوه بر پرسشنامه ویژگیهای جمعیت‌شناختی، پرسشنامه «ریسک فرار از منزل» و پرسشنامه «هوش هیجانی بار - اوان (EQ-i)» اجرا شد. پرسشنامه ریسک فرار از منزل به همت حیدری (۱۳۸۳) در ۱۰ محور و با آیتمهای دو یا چند گزینه‌ای ساخته شده که روایی محتوایی آن را اساتید روانشناسی و

1. Multiple Regression

کارشناسان آسیبهای اجتماعی مورد تأیید قرار داده‌اند. پایانی بازآزمایی در مدت دو هفته برای دختران فراری $r = 0/92$ و برای دختران عادی $r = 0/96$ به دست آمده که پایایی بالایی است. پرسشنامه ریسک فرار از منزل یک نمره برش (۱۶۵) دارد که مشخصه افرادی است که در معرض خطر جدی برای فرار از منزل می‌باشند. پرسشنامه هوش هیجانی بار - اون در سال ۱۹۹۷ را روون بار - اون بر پایه مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز تا همیشه تنظیم کرده که برخی از سؤالات آن به صورت مثبت و برخی دیگر به صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه ۱۵ خرده مقیاس دارد که عبارت‌اند از: خودآگاهی هیجانی، جرأت‌ورزی، احترام به خود، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، روابط میان فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حل مسئله، آزمون واقعیت، انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، مهارت‌تکانه، شادکامی و خوش‌بینی. ضرایب پایانی و روایی این پرسشنامه با روشهای مختلف به دست آمده است. میانگین ضرایب آلفای کرونباخ در محاسبه همسانی درونی برای تمامی خرده مقیاسها بالا است: از ضریب آلفای کرونباخ پایین (۰/۶۹) برای خرده مقیاس مسئولیت‌پذیری اجتماعی تا ضریب آلفای بالا (۰/۸۶) برای خرده مقیاس احترام به خود با میانگین کلی ضریب همسانی درونی ۰/۷۶ (Bar-On, 1997). بار - اون (Bar-On, 1997) در مطالعات خود با اتکا به پاسخهای آزمودنیها و همچنین اظهارنظر متخصصان به این نتیجه رسید که پرسشنامه EQ-1 از روایی صوری و محتوایی بالایی برخوردار است. در ایران، دهشیری (۱۳۸۲) به بررسی روایی و پایایی این ابزار پرداخته است. در تحقیق وی، ضریب پایایی با فاصله زمانی چهارماه ۰/۷۳ به دست آمد. همچنین شمس‌آبادی (۱۳۸۳) ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای بین ۰/۵۵ برای خرده مقیاس همدلی تا ۰/۸۳ برای خرده مقیاس مهارت‌تکانه با میانگین ۰/۷۰ به دست آورد.

در پژوهش حاضر، انجام‌دهندگان آزمونها دو تن از دانشجویان کارشناسی ارشد روانشناسی بودند که درباره شیوه انجام دادن آزمونها آموزش لازم را دیده بودند. داده‌های گردآوری شده به کمک همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره به روش گام به گام تجزیه و تحلیل شد.

۳ یافته‌ها

میانگین سنی آزمودنیها ۱۷/۴۴ و انحراف استاندارد آن ۰/۷۳ به دست آمد. سایر ویژگیهای جمعیت شناختی آزمودنیها در جدول ۱ مشخص شده است.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی آزمودنیها

درصد	تعداد	عوامل جمعیتی
مناطق آموزش و پرورش		
۵۸/۴	۲۹۲	۲
۱۳/۸	۶۹	۵
۲۷/۸	۱۳۹	۷
پایه تحصیلی		
۳۲/۴	۱۶۲	دوم دبیرستان
۲۶/۶	۱۳۳	سوم دبیرستان
۴۱	۲۰۵	پیش دانشگاهی
رشته تحصیلی		
۴۱/۲	۲۰۶	انسانی
۳۴/۲	۱۷۱	تجربی
۲۴/۶	۱۲۳	ریاضی

در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش مشخص شده است.

جدول ۲: توزیع میانگین و انحراف استاندارد نمره مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
خودآگاهی هیجانی	۲۶/۸۶	۴/۹۳
جرأت‌ورزی	۲۳/۷۶	۷/۰۴
احترام به خود	۳۲/۹۲	۵/۹۲
خودشکوفایی	۳۱/۳۲	۴/۴۱
استقلال	۲۱/۶۹	۳/۶۷
همدلی	۳۰/۱۶	۵/۳۵
روابط میان فردی	۴۰/۲۲	۶/۰۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳۷/۲۹	۵/۳۸
حل مسئله	۲۸/۷۶	۴/۸۶
آزمون واقعیت	۲۵/۸۵	۴/۴۶
انعطاف‌پذیری	۲۵/۷۰	۴/۲۲
تحمل استرس	۲۸/۴۱	۴/۳۰
مهار تکانه	۲۹/۷۸	۶/۹۴
شادکامی	۳۱/۷۶	۵/۰۴
خوش‌بینی	۲۷/۶۵	۴/۷۱
هوش هیجانی کلی	۳۹۸/۱۴	۴۴/۹۹
ریسک فرار از منزل	۱۲۸/۲۱	۲۵/۵۸

در جدول ۳ ضرایب همبستگی مؤلفه‌های هوش هیجانی با ریسک فرار دختران از منزل و در جدول ۴ خلاصه الگوی رگرسیون گام به گام آورده شده است. فرضیه اول، مبنی بر اینکه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار دختران از منزل ارتباط معناداری وجود دارد، تأیید شد. ضرایب همبستگی حاکی از آن است که هر چه سطح احترام به خود، واقعیت‌سنجی، انعطاف‌پذیری، تحمل استرس، مهار تکانه،

شادکامی، خودآگاهی هیجانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حل مسئله و هوش هیجانی کلی در دختران بالاتر باشد، ریسک فرار آنها از منزل کمتر می‌شود. همبستگی بین سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی با ریسک فرار دختران از منزل معنادار نبود.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار دختران از منزل

متغیر	ضریب همبستگی با ریسک فرار دختران از منزل
خودآگاهی هیجانی ES	-۰/۰۸۷*
جرات‌ورزی AS	۰/۰۰۸
حرمت ذات SR	-۰/۲۷۲**
خودشکوفایی SA	-۰/۰۰۶
استقلال IN	۰/۰۴۱
همدلی EM	۰/۰۱۴
روابط بین فردی IR	-۰/۰۷۲
مسئولیت‌پذیری اجتماعی RE	-۰/۰۸۵*
حل مسئله PS	-۰/۰۸۳*
آزمون واقعیت RT	-۰/۲۹۲**
انعطاف‌پذیری FL	-۰/۱۹۱**
تحمل استرس ST	-۰/۱۹۵**
مهار تکانه IC	-۰/۲۸۳**
شادکامی HA	-۰/۲۶۷**
خوش‌بینی OP	۰/۰۱۸
هوش هیجانی کلی EQ-i	-۰/۱۸۷**

* ضریب همبستگی در سطح $P < 0/05$ معنادار است.

** ضریب همبستگی در سطح $P < 0/01$ معنادار است.

فرضیه دوم، مبنی بر اینکه مؤلفه‌های هوش هیجانی، ریسک فرار دختران از منزل را پیش‌بینی می‌کنند نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بیانگر

این است که مؤلفه‌های آزمون واقعیت، مهار تکانه و شادکامی به ترتیب پیش‌بینی‌کننده‌ترین مؤلفه‌ها در پیش‌بینی ریسک فرار دختران از منزل بودند که در مجموع ۹۹ درصد اطمینان ($P < 0/01$)، ۱۴ درصد از واریانس مربوط به ریسک فرار از منزل را تبیین می‌کنند.

جدول ۴: خلاصه الگوی رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون ریسک

فرار از منزل براساس مؤلفه‌های هوش هیجانی آزمودنیها

خطای استاندارد اندازه‌گیری	ضرب تعیین	ضرب همبستگی	سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	الگو
۲۴/۴۹	۰/۰۸	۰/۲۹	a/۰۰۰	۴۶/۴۰	۲۷۸۴۱/۰۶	۱	۲۷۸۴۱/۰۶	۱ رگرسیون
					۵۹۹/۹۹	۴۹۸	۲۹۸۷۹۵/۶۱	باقیمانده
						۴۹۹	۳۲۶۶۳۶/۶۷	کلی
۲۳/۹۴	۰/۱۲	۰/۳۵	b/۰۰۰	۳۶/۲۴	۲۰۷۸۶	۲	۴۱۵۷۲/۰۱	۲ رگرسیون
					۵۷۳/۵۷	۴۹۷	۲۸۵۰۶۴/۶۶	باقیمانده
						۴۹۹	۳۲۶۶۳۶/۶۷	کلی
۲۳/۷۹	۰/۱۴	۰/۳۷	c/۰۰۰	۲۶/۹۶	۱۵۲۶۸/۰۲	۳	۴۵۸۰۴/۰۶	۳ رگرسیون
					۵۶۶/۱۹	۴۹۶	۲۸۰۸۳۲/۶۱	باقیمانده
						۴۹۹	۳۲۶۶۳۶/۶۷	کلی

a - متغیر پیش‌بین: آزمون واقعیت (RT)

b - متغیرهای پیش‌بین: آزمون واقعیت، مهار تکانه (RT, IC)

c - متغیرهای پیش‌بین: آزمون واقعیت، مهار تکانه، شادکامی (RT, IC, HA)

ادامه جدول ۴

P	t	beta	Std.Error	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۰۰۰	-۶/۸۱	-۰/۲۹	۰/۲۴	-۱/۶۷	آزمون واقعیت (RT)
۰/۰۰۰	-۵/۱۷	-۰/۲۲	۰/۲۵	-۱/۳۰	آزمون واقعیت (RT)
۰/۰۰۰	-۴/۸۹	-۰/۲۱	۰/۱۶	-۰/۷۹	مهار تکانه (IC)
۰/۰۰۰	-۳/۹۶	-۰/۱۸	۰/۲۶	-۱/۰۵	آزمون واقعیت (RT)
۰/۰۰۰	-۴/۰۸	-۰/۱۸	۰/۱۶	-۰/۶۷	مهار تکانه (IC)
۰/۰۰۶	-۲/۷۳	-۰/۱۲	۰/۲۳	-۰/۶۵	شادکامی (HA)

۴) بحث

نتایج پژوهش حاضر در تأیید فرضیه‌های تحقیق مبنی بر ارتباط بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار دختران از منزل نشان می‌دهد که هرچه میزان واقعیت‌سنجی، شادکامی، حل مسئله، احترام به خود، خودآگاهی هیجانی، تحمل استرس، انعطاف‌پذیری، مسئولیت اجتماعی، مهار تکانه و هوش هیجانی کلی در دختران بالاتر باشد، ریسک فرار آنها از منزل کمتر است.

بر طبق نتایج تحقیق حاضر به نظر می‌رسد هرچه دختران موقعیتها و رویدادها را آن گونه که هست و آن گونه که روی می‌دهد تجربه کنند، به عبارت دیگر، دید واقع‌بینانه‌تری نسبت به وضعیت موجود در داخل خانواده و محیط بیرون از آن داشته باشند، کمتر احتمال دارد که از خانه فرار کنند. همچنین یافته‌های تحقیق حاضر، همسو با یافته‌های دی مان (De Man, 2000) نشان می‌دهد که هرچه شادکامی و رضایتمندی دختران زیادتر باشد، احتمال ریسک فرار از منزل کاهش می‌یابد.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر این بود که هرچه قدرت حل مسئله بالاتر باشد، ریسک فرار دختران از منزل کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهشهای استادی (۱۳۷۵) و بازیاری میمندی (۱۳۸۱) همخوان است که معتقد بودند دختران فراری در مواجهه با رویدادهای تنیدگی‌زا از راهبردهای هیجانی ناکارآمد استفاده می‌کنند و رفتار

فرار آنها راهی هیجان‌مدارانه برای مقابله با استرس است. همچنین یافته‌های تحقیق شارلین و مور - باراک (Sharlin, Mor-Barak, 1992) نشان می‌دهد که دختران فراری بیشتر از رفتارهای تکانشگرانه استفاده می‌کنند تا رفتارهای تأملی؛ که این یافته نیز با نتایج تحقیق حاضر همخوان است. در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که احتمالاً پایه و اساس حل مسئله نوعی واقعیت‌گرایی است زیرا مستلزم دو قسمت می‌باشد: ارزیابی واقع‌گرایانه از مشکل و ارزیابی واقع‌گرایانه از تواناییها و امکانات خود برای مقابله با آن. به نظر می‌رسد احتمال فرار دخترانی بیشتر باشد که دید واقع‌گرایانه ندارند؛ یعنی به جای اینکه به مشکل به عنوان مسئله‌ای حل‌شدنی نگاه کنند به طور هیجانی با آن برخورد می‌نمایند و توانایی خود را در حل مشکل ناچیز می‌بینند. عزت نفس پایین یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش ریسک فرار در تحقیق حاضر بود. این یافته با تحقیقات دی مان (De Man, 2000)، واک و براندون (Wolk, Brandon, 1977)، لیندسی و همکاران (Lindsey, et al, 2000) همخوان است که نشان داده‌اند عزت نفس و پایین بودن اعتماد به خود از متغیرهای اصلی در بروز فرار است. همچنین فیتل، مارگستون، چاماس و لیپمن (Feitel, Margeston, Chamas, Lipman, 1992)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نیمی از دختران فراری احساس بی‌ارزشی و گناه می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که احتمالاً عزت نفس پایین باعث می‌شود که فرد توانایی خود را دست کم گرفته به جای مواجهه و مبارزه با مسائل از راهکارهای هیجانی مثل فرار استفاده کند.

نتایج تحقیق همچنین بیانگر این بود که خودآگاهی هیجانی پایین، ریسک فرار را افزایش می‌دهد. احتمالاً دخترانی که خودآگاهی هیجانی پایینی دارند به دلیل اینکه از هیجانات خود در مواجهه با رویدادهای استراس‌زا آگاه نیستند، توانایی مهار هیجانات خود را ندارند و به صورت هیجانی عمل می‌کنند. از نتایج دیگر تحقیق حاضر این بود که تحمل استرس از ریسک فرار دختران از منزل می‌کاهد. این یافته با نتایج تحقیق استادی (۱۳۷۵) همخوان است که نشان می‌دهد دختران فراری در مواجهه با

رویدادهای تنیدگی‌زا به علت آستانه تحمل پایین، به جای رویکرد شناختی مؤثر از راهبردهای هیجانی ناکارآمد استفاده می‌کنند و اغلب با تفکرات غیرمنطقی خود، شرایط نامساعد را تغییرناپذیر دانسته در برابر ناکامیها و سختیها سریعاً تحمل خود را از دست می‌دهند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق حاضر این بود که انعطاف‌پذیری از ریسک فرار از منزل می‌کاهد. ریو، تایلور - سی‌هافر، توماس و یوکی (Rew, Taylor-Seehafer, Thomas, Yockey, 2001)، در تحقیق خود نشان دادند که انعطاف‌پذیری از احساس تنهایی و نومی‌دی نوجوانان بی‌خانمان و فراری می‌کاهد و سدی محکم در برابر فروغلتیدن آنها در رفتارهای پرخطر است. از یافته‌های دیگر تحقیق حاضر این بود که مسئولیت‌پذیری و مهارت‌کانه با ریسک فرار از منزل همبستگی منفی دارد. این یافته‌ها با تحقیقات لیندسی و همکاران (Lindsey, et al, 2000) و حمیدی (۱۳۸۳) همخوان است که نشان داده‌اند دختران فراری فاقد انضباط اجتماعی بوده، مسئولیت‌پذیری اندکی دارند. رفتار محتاطانه و مسئولیت‌پذیری از عوامل موفقیت در غلبه بر چالشها و جلوگیری از فرار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که احتمالاً مسئولیت‌پذیری و مهارت‌کانه با حل مسئله مرتبط است. فردی که نتواند مسئله مدار عمل کند، نمی‌تواند تکانه‌های خود را در برابر فشارهای وارده مهار کند بنابراین ممکن است رفتارهای تکانشی از قبیل اعتیاد، خودکشی، دیگرکشی و... انجام دهد که یکی از این رفتارهای تکانشی فرار از منزل است.

همان طور که گفته شد از یک سو مؤلفه‌های تحمل استرس، مهارت‌کانه، مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری با حل مسئله مرتبط است و از سوی دیگر زیربنای حل مسئله دید واقع‌بینانه به مشکلات و تواناییها است. لذا همگام با نتایج تحلیل رگرسیون (که واقعیت‌سنجی را به عنوان برجسته‌ترین مؤلفه در پیش‌بینی ریسک فرار دختران از منزل مشخص می‌سازد)، می‌توان به این نتیجه رسید که زیربنای اساسی اغلب مؤلفه‌های مرتبط با فرار دختران از منزل، گریز از واقعیت‌گرایی است.

تدوین یک برنامه آموزشی برای تقویت هوش هیجانی به ویژه مؤلفه واقعیت‌سنجی، آموزش مدیریت استرس و مهار خشم، آموزش به منظور بالا بردن عزت نفس و شادکامی و برنامه‌های آموزشی در جهت افزایش راهبرد حل مسئله می‌تواند از جمله راهکارهای عملی برای دخترانی باشد که نمره ریسک فرار آنها در حد برش است؛ یعنی در معرض خطر جدی برای فرار از منزل هستند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشهای وسیع‌تری بر روی سایر متغیرهای اثربخش بر فرار دختران از منزل صورت گیرد تا به درستی سهم هر متغیر مشخص شود.

- استادی، رضا. (۱۳۷۵)، بررسی رابطه باورهای غیرمنطقی و عزت نفس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- بازیاری میمندی، مهتاب. (۱۳۸۱)، بررسی ویژگیهای شخصیتی و میزان تنیدگی در دختران فراری و عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- برزگر، صادق. (۱۳۸۲)، فرار دختران، قم، نشر جمال.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۲)، بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها، رساله دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حدیری، شیمیا. (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارتهای حل مسئله بر کاهش تمایل به فرار در دختران در معرض فرار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.
- دهشیری، غلامرضا. (۱۳۸۲)، هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه بهر هیجانی بار - اون بر روی دانشجویان دانشگاههای تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- شمس‌آبادی، روح ... (۱۳۸۳)، هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه هوش هیجانی بار - اون (Bar-on) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روانپزشکی تهران، مرکز تحقیقات بهداشت روان، تهران.
- صمدی راد، انوری. (۱۳۸۱)، «بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیبهای اجتماعی در ایران.
- Austin, E.J. (2004), **Emotional intelligence correlates**, Canada, Saskatoon.
- Bar-on, R. (1997), **Bar-on Emotional Quotient Inventory**, Toronto, Canada, Multi-Health.
- Bar-on, R. (1999), **The Emotional Quotient Inventory (EQ-I): A test of emotional intelligence**, Toronto, Canada, Multi-Health.
- Bar-on, R. (2000), **The handbook of emotional intelligence**, Sanfransisco, Caligornia, Jossy-Bass.
- Ciarrochi, JV. Dean, FP. Anderson, S. (2002), **Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health**, *Personality and Individual Differences*, 32. 192-209.

References

منابع

- Coco, EL. Courtney, LG. (1998), **A family systems approach for preventing adolescent runaway behavior**, *Adolescence*, Vol. 33, No. 130, 485-496.
- Cohen, E. Mackenzie, RG. Yates, GL. (1991), **HEADS, a psychosocial risk assessment in strument: Implications for designing effective intervention programs for runaway youth**, *Journal of Adolescent Medicine*, 12. 539-544.
- Crespi, TD. Sabatelli, RM. (1993), **Adolescent runaways and family strife: A conflict-induced differentiation framework**, *Adolescence*, 28. 867-878.
- Deman, AF. (2000), **Predictors of adolescent running away behavior**, *Social Behavior and Personality*, 28. 261-268.
- Farrow, JA. Diesher, RW. Brown, R. Kulig, JW. Kipke, MD. (1992), **Health and health needs of homeless and runaway youth**, *Journal of Adolescent Health*, 13. 717-726.
- Feitel, B. Margeston, N. Chamas, J. Lipman, C. (1992), **Psychological background and behavioral and emotional disorder of homeless and runaway youth**, *Hospital and Community Psychiatry*. 43 (2), 155-159.
- Garbarino, J. Schellenback, C. Sebes, J. (Eds.). (1986), **Troubled Youth, Troubled Families**, New York, Mc Graw-Hill.
- Green, JM. Ennett, ST. Ringwalt, CL. (1999), **Prevalence and correlates of survival sex among runaway and homeless youth**, *American Journal of Public Health*, 89 (9), 1406-9.
- Kurtz, PD. Jarvis, SV. Kurtz, GL. (1991), **Problems of homeless youths: Empirical findings and human services issues**, *Social Work*, 36. 311-314.
- Lindsey, EW. Kurtz, PD. Jarvis, S. Williams, NR. Nackerud, L. (2000), **How runaway and homeless youth navigate troubled waters: Personal strengths and resources**, *Child and Adolescent Social Work Journal*, 17 (2), 115-139.
- National Runaway Switchboard, available at: <<http://www.nrscrisisline.org>>
- National Network of Runaway and Youth Services, 1985, available at: <<http://www.nrscrisisline.org>>

- Rew, L. Taylor-Seehafer, M. Thomas, NY. Yockey, RD. (2001), **Corrlates of resilience in homeless adolescents**, *Journal of Nursing Scholarship*, 33 (1), 33-40.
- Rohr, ME. (1996), **Identifying adolescent runaways: The perspective utility of the Personality Inventory for Children**, *Adolescence*, Fall.
- Sharelin, SA. Mor-Barak, M. (1992), **Runaway girls in distress: motivation, background, and personality**, *Adolescence*, 27 (106), 387-405.
- Wolk, S. Brandon, J. (1977), **Runaway adolescents' perceptions of parents and self**, *Adolescence*, 12 (46), 175-187.
- Yates, GL. Pennbridge, J. Swofford, A. Mackenzie, RG. (1991). **The Los Angeles system of care for runaway/homeless youth**, *Journal of Adolescent health*, 12, 555-560.